

چند نکته در معنی تنزیلی و تأویلی «عدل» - حسین درگاهی*

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال سیزدهم، شماره ۵۱ «ویژه عدل الهی»، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۵۸ - ۱۶۳

چند نکته در معنی تنزیلی و تأویلی «عدل»

حسین درگاهی*

چکیده: نویسنده به اختصار در مورد معنای تنزیلی عدل و به تفصیل در مورد معنی تأویلی عدل سخن گفته است. وی عدل را به وجود مقدس اهل بیت ~~علیهم السلام~~ تأویل می‌کند. سپس وجه جمع بین نصوص مربوطه در این موارد را بیان می‌دارد.

کلیدواژه‌ها: عدل - معنای تنزیلی؛ عدل - معنای تأویلی؛ مقام اهل بیت ~~علیهم السلام~~.

*. پژوهشگر، محقق متون حدیثی.

۱. برای عدل مانند نوع مفاهیم در فرهنگ الهی، معنایی تنزیلی و ظاهری، و معنایی تأویلی و اولی و اصلی است. مراد از «عدل» به عنوان رکن دوم از اساس دوگانه دین الهی، به اختصار به قرار ذیل است.

۲. و اما معنی تنزیلی عدل:

از نگاهی، خلقت به دو عالم تکوین و تشریع تقسیم می‌شود: عالم تکوین، عالم کن فیکون، که عبارتست از ماهیات موجوده و تحقق یافته در خارج به مشیت و اراده تکوینی خدای متعال؛ لذا آن عالم، عالم اضطرار و اجبار است. و عالم تشریع که عبارتست از عالم باید و نباید، و بنکن که ماده آن از طرفی خدای متعال است با تمام شئون مولویتش و از طرفی دیگر بنده عاقل قادر مختار با تمام افعال اختیاریش، و صورت این عالم؛ احکام خمسه الهیه از وجوب، حرمت، استحباب، کراحت و اباحه؛ لذا این عالم، عالم انتخاب و اختیار است.

۳. دین الهی به عنوان صورت عالم تشریع متناسب با ماده آن عالم که خدای متعال و مولویت او و بنده و اختیارش است، تشریع شده است. و چنین است که اساس دین، توحید و عدل است:

«توحید» گزارش از معرفة الله است؛ معرفت الله سبّوح صمد، و «عدل» گزارش از معرفة النفس؛ گزارش از معرفت بنده قادر مختار؛ لذا در تعریف عدل فرموده‌اند که خدای متعال اعدل از آن است که بندهاش را مجبور به عصیان کرده و سپس او را به سبب معصیتش عقاب کند.^۱

امام عسکری علیہ السلام از پدران گرامی شان علیهم السلام نقل کرده‌اند که رسول خدا علیه السلام فرمودند:

«مَا عَرَفَ اللَّهُ مَنْ شَبَهَهُ بِخَلْقِهِ وَ لَا وَصَفَهُ بِالْعَدْلِ مَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ ذُنُوبَ عِبَادِهِ»^۲

﴿نُورٌ نَّبِيْكَ يَا جَابِرُ خَلْقُهُ اللَّهُ ثُمَّ خَلَقَ مِنْهُ كُلَّ خَيْرٍ﴾^۳

نور پیامبرت ای جابر، خدا او را خلق کرد سپس هر خیر را از او بیافرید.
ذیل آیه شریفه (إنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ)^۴ چند روایت با مضمون مشابه نقل شده است. برای نمونه:

امام باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه (إنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) فرمودند:

«إنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ، وَهُوَ مُحَمَّدٌ ﷺ. وَالْإِحْسَانُ، وَهُوَ عَلَىٰ»^۵

به راستی که خدا به «عدل» فرمان می‌دهد؛ و او محمد ﷺ است و «احسان»؛
و او علی است.

لذا فرموده‌اند: «ماده عالم تشریع از عالم تکوین نشأت می‌گیرد. نشو و نمای
ماده عالم تشریع از عالم تکوین است.»

خدا را نشناخت آن که او را به آفریده‌اش تشبيه کرد و به عدل و صفوش نکرد
هر که گناهان بندگانش را به وی نسبت داد.

۴. و اما معنی تأویلی عدل:

در عرف انسانی حقایق و معانی، مفاهیم ذهنیه‌اند، برخلاف عرف الهی که در آن مفاهیم و معانی، حقایق نفس‌الامریه‌اند. در عرف الهی حقیقت منتشره و گسترده در تکوین خدای متعال و تشریع او اولاً وجود مبارک حبیب و ولی علی الاطلاقش؛ یعنی: وجود مبارک رسول اکرم ﷺ و نفس نفیس ایشان امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه‌وآل‌هه می‌باشند. و چنین است که منظور و مقصود اصلی و اول از «عدل» و «احسان» وجود مبارک رسول‌الله و وجود مبارک امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه‌ما و آله‌ما می‌باشند.

پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ به سؤال جابر - اوئین چیزی که خدا آفرید چیست؟ - فرمودند:

امام رضا علیه السلام در مورد آیه شریفه (إنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) فرمودند:
«إنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ، وَهُوَ مُحَمَّدٌ ﷺ. وَالْإِحْسَانُ، وَهُوَ عَلَىٰ»^۶

[DOR: 20.1001.1.17350689.1395.13.51.7.6]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2025-09-14]

پس هنگامی که منظور و مقصود اصلی و اولی (تأویل) از عدل، رسول الله ﷺ باشد؛ پس: بالملازمه این معنا در مورد نفس نفیس ایشان؛ یعنی امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه‌وآل‌هه نیز صادق است؛ ذیل آیه شرifeه ۱۸ آل عمران - (شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)- در تفسیر عیاشی از جابر بن عبد‌الله انصاری از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «الْقِسْطُ الْعَدْلُ فِي الظَّاهِرِ، وَالْعَدْلُ فِي الْباطِنِ امیرالمؤمنین علیه السلام»؟ یعنی ظاهر عدل، قسط و باطن آن امیرالمؤمنین علیه السلام است، و همین معنی تناسب دارد با مصدق اسم «حق» بودن امیرالمؤمنین علیه السلام و میزان اعمال بودن ایشان در درگاه الهی و «علیٰ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلیٰ»^۷ و این همه؛ یعنی: «علیٰ هُوَ الْعَدْلُ وَ الْعَدْلُ هُوَ عَلیٰ».

۵. جمع بین آیه شرifeه و روایات مربوطه در نگاه تنزیلی و تأویلی چنین خواهد بود که: کسی می‌تواند در عقیده و عمل به اعتدال و عدالت نائل شود که به ولایت الهیه رسول اکرم و امیرالمؤمنین صلی‌الله‌علیهم‌او‌آل‌همای نائل شده باشد، که آنان بنده مرضی علی‌الاطلاق خدای متعالند؛ لذا در بارگاه الهی حقیقت عدل و عدالت ایشانند و به ولایت مطلقه الهیه ایشان هم آن‌ها تحقق می‌یابند. و کسی می‌تواند متخلق به «احسان» شود که نائل به ولایت الهیه امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه شده باشد.

«احسان» در معنای تنزیلی آن، عمل و عبادت در حالت تقوا و پاسداری از خدای متعال می‌باشد. در معنای تأویلی و معرفتی و معنوی آن، «احسان» مقام نورانی امیرالمؤمنین و «حسن» مقام مطهر و مقدس صدیقه کبری^۸ و جلوه جلیل و جمیل آن حسن در پرتو آن «احسان» حسن و حسین و محسن و تسعه المعصومین من اولاد الحسین صلوات‌الله‌علیهم‌أجمعین می‌باشد.

اللهُمَّ ارزقنا معرفتهم و محبتهم و ولائهم، اللهم اجعلنا فيهم و لهم بحقك عليهم و بحقهم عليك و عجل فرجهم.

«عدل» از طرفی معرفة النفس است و از طرفی دیگر «علی» است صلوات الله - عليه؛ و چنین است وجه جمع آنها در آیه شرife (یا آیتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ)^۹ در سوره فجر.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «نَزَّلْتُ فِي عَلَيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام»^{۱۰} (این آیه) در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۶. پس آن کوکب هدایت الهی و حُسن تمام که «يَمْلأُ الْأَرْضَ قَسْطًا وَ عَدْلًا»^{۱۱}، «يَمْلأُ الأرض» از ولایت الهیه رسول الله و امیر المؤمنین صلوات الله علیہما وآلہما و بدین گونه است که عالم آکنده از نور معرفت الهیه خواهد شد.

امام رضا علیه السلام به سند طایی خود از امام سجاد علیه السلام نقل کردند که ایشان درباره آیه شرife (فَطَرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا)^{۱۲} فرمودند: «هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِلَى هَاهُنَا التَّوْحِيدُ»^{۱۳}؛ یعنی: الله، محمد، علی، صلوات الله علیہما وآلہما؛ یعنی: حقیقت معرفت، محبت و عظمت الهیه. و چنین است که:

«جهان بس فتنه خواهد دید از آن چشم و از آن ابرو»

پی‌نوشت‌ها

۱. بخارالانوار ۵: ۵۹، از طرائف، از امام رضا علیه السلام.
۲. کنزالدقائق ۷: ۳۵۵، از توحید صدوق.
۳. بخارالانوار ۱۵: ۲۴، از ریاض الجنان.
۴. التحل (۱۶): ۹۰.
۵. کنزالدقائق ۷: ۲۵۵، از تفسیر عیاشی.
۶. تفسیر البرهان ۱: ۶۰۴ از تفسیر عیاشی.
۷. احراق الحق ۵: ۶۳۷.
۸. رسول خدا علیه السلام در حدیثی فرمودند: «لو کان الحُسْن هیئتَ لِكَانَتْ فاطمَةَ بْلَهی أَعْظَمَ...» مأة منقبة: ۱۲۶ اگر «حسن» شخصیتی باشد، آن فاطمه است، بلکه او برتر است.
۹. الفجر (۸۹): ۲۷.
۱۰. البرهان ۵: ۶۵۷.
۱۱. کمالالدین ۱: ۱۳۹.
۱۲. الروم (۳۰): ۳۰.
۱۳. بخارالانوار ۳: ۲۷۷ از تفسیر قمی.